

در عربي صفت هم مي‌تواند به صورت يك كلمه بيايد (صفت مفرد) و هم مي‌تواند به صورت يك جمله (جمله و صفيه).

صفت و موصوف

(نعت و منعونت)

(الف) صفت مفرد: صفت از ۴ نظر تابع موصوف است: [جنس، اعراب، معرفه و نكره و عدد(تعداد)]

۱- جنس (مذكر و مؤنث بودن): التلميذة العالمة - التلميذ العالم - صورة أخري^۱ - كتاب آخر

- نوع مؤنث مي‌تواند فرق كند؛ مثلاً مي‌دانيم وزن فُعَلِي (اسم تفضيل) نشانه مؤنث است و براي اسم مؤنث آورده مي‌شود. پس لزوماً قرار نيست صفت مؤنث با علامت «ة» و ... بيايد.

- وزن «فَعَالَة» به عنوان صيغه مبالغه، هم براي اسم مذكر مي‌تواند بيايد و هم براي اسم مؤنث. نکته تكراري: با جمع غير عاقل مانند مفرد مؤنث رفتار مي‌كنيم. مثال: الكُتُبُ مفيدةٌ، هذه أشجارٌ كبيرةٌ

۲- اعراب (مرفوع، منصوب، مجرور): يعني اگر موصوف مرفوع بود صفت هم مرفوع خواهد بود و ...

مثال: التلاميذ العالمون - في كتابٍ ميبين - رأيت التلميذ العالم

- نوع اعراب مي‌تواند فرق كند؛ يعني صفت مي‌تواند به صورت اعراب ظاهري، محلي يا تقديري بيايد؛ مثلاً:
۱- قرأتُ المجلاتِ المفيدة = چون «المجلات» منصوب است صفت «مفيدة» را نيز منصوب مي‌آوريم. از طرفي مي‌دانيم جمع مؤنث سالم درحالت منصوبي، كسره مي‌گيرد، به همين علت «المجلات» كسره گرفته است.

۲- ذهب الطالبُ الساعي = گفتيم كه اعراب‌هاي تقديري حركه بر رویشان نمي‌آيد به همين علت بر روي كلمه «ساعي» كه اسم منقوص است حركه نياورديم و اعرابش تقديراً مرفوع است.

۳- قرأتُ كتابٍ أفضل = مي‌دانيم غير منصرف‌ها تنوين نمي‌گيرند. به همين علت «أفضل» بدون تنوين آمده است. و چون اعرابش منصوب است آن را با علامت فتحه - مي‌آوريم

۳- معرفه و نكره: اگر اسم معرفه باشد صفت هم معرفه خواهد بود و اگر نكره باشد صفت هم نكره مي‌شود.

مثال: الكتابُ الكبيرُ - كتابٌ كبيرٌ

- نکته: نوع معرفه مي‌تواند فرق كند؛ مثلاً معرفه به اضافه باشد، يا معرفه به علم يا ...

- به اين عبارت توجه كنيد: عبادي الصالحون (بندگان صالح من) = چون عباد معرفه شده است (معرفه به اضافه به ضمير "ي") بنا بر اين صفت را با «ال» آورديم تا از نظر معرفه بودن با كلمه عباد تطابق داشته باشند

۴- عدد (مفرد، مثني، جمع): مثلاً اگر اسم مثني بود صفت هم مثني مي‌شود و ...

مثال: التلاميذ العالمون - كتابان مفيدان - الطلاب المؤدبون - تلميذات مجتهدات

- نکته: نوع جمع مي‌تواند فرق كند (مثلاً مكسر باشد يا مذكر سالم يا مؤنث سالم)

مطابقت از نظر جنس و عدد و اعراب با موصوف

مطابق است

يک مثال کلی: حَصَدَ فلاحانِ اثنانِ، هذه المرزعةُ الكبيرُ

مطابقت از نظر عدد و اعراب با موصوف مطابق است

(ب) جمله وصفیه (صفت جمله): اگر بعد از اسمی نکره جمله‌ای بیاید که آن را توصیف کند جمله وصفیه گویند و از نظر اعراب به صورت محلاً از موصوف تبعیت می‌کند.

مثال ۱: رأيت رجلاً في المسجد يسجدُ / (ترجمه: دیدم مردی را در مسجد که سجده می‌کند)
 اسم نکره و جمله وصفیه و مفعول محلاً منصوب
 حرف «که» هنگام ترجمه جمله وصفیه می‌آید (یعنی جمله وصفیه را با «که» ترجمه می‌کنیم)

مثال ۲: أريدُ كتاباً جلدُهُ نظيفٌ / (ترجمه: می‌خواهم کتابی که جلدش تمییز است)
 اسم نکره جمله وصفیه و مفعول محلاً منصوب

مثال ۳: لي أخٌ يحبُّ المطالعةَ كثيراً / (ترجمه: برادری دارم که دوست دارد مطالعه را بسیار)
 اسم نکره جمله وصفیه و مفعول محلاً مرفوع

نکته ۱: همانطور که در مثال ۱ دیدیم ممکن است بین موصوف و صفت فاصله بیفتد (همیشه به یاد داشته باشیم که اگر جمله را ترجمه کنیم کارمان برای تشخیص نقش‌ها آسان می‌شود (پس همیشه اولین کار ترجمه جمله است))
نکته ۲: جمله وصفیه می‌تواند، یک فعل باشد، یک جمله اسمیه باشد، جمله فعلیه باشد یا شبه جمله (جار و مجرور) باشد.



نکات صفت و موصوف:

- ۱- **شمارش صفت در يك عبارت:** اگر عبارتی را به ما بدهند و تعداد صفات آن را از ما بخواهند، علاوه بر صفت‌های مفرد، هر جمله وصفیه را نیز يك صفت به شمار می‌آوریم. مثال:
 رأي الذئب الجائع، حماراً سميناً يأكلُ العشبَ في مزرعة القرية (دید گرگ گرسنه، الاغ فربه‌ای را که می‌خورد علف در مزرعه‌ی روستا)
 صفت مفرد صفت مفرد جمله وصفیه (۳ تا صفت دارد)
- ۲- **فاصله افتادن بین موصوف و صفت:** گاهی بین موصوف و صفت (صفت مفرد یا جمله وصفیه) فاصله می‌افتد. مثال:
 كتابه النظيفُ ... ← کتاب تمیز او / اشجارُ الغابةِ الباسقةُ ← درختان بلند جنگل
نکته خیلی مهم: همان‌طور که در مثال‌های بالا می‌بینیم در عربی مضاف‌الیه می‌تواند بین موصوف و صفت فاصله بیندازد. در این حالت: صفت «ال» خواهد گرفت اما موصوف بدون «ال» می‌آید چون موصوف علاوه بر موصوف بودن، مضاف نیز واقع می‌شود. مثلاً در مثال بالا داریم: اشجارُ الغابةِ الباسقةُ (شرط تشخیص مضاف الیه و صفت توجه به حرکت هاست) مضاف‌الیه صفت
- ۳- یادتان هست که موصول بعد از اسم دارای «ال» صفت بود: مثال: الطالبة التي ...
 (نکته حذف شده از کتاب درسی: کلمه «ذو» بعد از اسم نکره نیز صفت است) دارای «ال»
 اسم صفت
- ۴- برای اسم‌های مؤنث معنوی (که قبلاً خواندیم مانند شمس، ارض، حرب و ...) نیز صفت مفرد مؤنث می‌آید
 (توجه کنیم: قبلاً هم گفتیم مؤنث‌های لفظی در واقع اسم مذکر هستند که علامت مؤنث دارند، اصلاً بگذارید خیالتان را راحت کنم: هرجایی مؤنث لفظی دیدید فکر کنید مذکر است و مانند اسم مذکر باهاش رفتار کنید)
- ۵- از بین اعداد اصلی: عدد ۱ و ۲ (واحد، اثنان) و هم‌هی اعداد ترتیبی برای اسم قبل از خود صفت‌اند. (درس ۶ سال دوم)
- ۶- توجه کنیم که در عربی صفت پیشین و پسین نداریم بلکه منظور از صفت کلمه‌ای است که بعد از اسم می‌آید

عطف بیان نیز مانند صفت تابع اسم ما قبل خود است و در دو حالت زیر معمولاً پیش می‌آید

آیها، آیتها ← مثال: آیها الناس (این قسمت مربوط به منادا است که خواهیم خواند)
عطف بیان
عطف بیان: اسم «ال» دار و جامد بعد از: اسم‌های اشاره ← مثال: هؤلاء الاولاد
عطف بیان

نکته خیلی مهم: اسم «ال» دار بعد از اسم اشاره
اگر جامد باشد می‌شود ← عطف بیان: مثال: تلك الشجرة (عطف بیان و جامد)
اگر مشتق باشد می‌شود ← صفت: مثال: هذا الكتاب (صفت و مشتق)
نکته: عطف بیان نیز مانند صفت باید از لحاظ جنس، اعراب و ... تابع اسم قبل از خود باشد.

مضاف و مضاف الیه

می‌توان گفت شکل کلی مضاف و مضاف الیه به صورت زیر می‌باشد:

اسم + ضمیر متصل ← مثال: کتابکم، مدرستنا
اسم + اسم مجرور ← مثال: کتابُ المعلم، امیر المؤمنین، کتابُ تلمیذ

نکته: راحت‌ترین راه برای تشخیص مضاف، مضاف الیه و ... معنی کردن عبارت است. سپس با استفاده از روش‌هایی که در فارسی داشتیم مضاف‌الیه یا صفت را می‌یابیم. مثلاً: کتابکم ← کتاب شما (بنابراین کلمه «کم» مضاف‌الیه است)
فارسی مضاف‌الیه



نکات مضاف و مضاف الیه:

۱- نکته خیلی مهم: مضاف «ال» یا «تتوین» نمی‌گیرد. مضاف‌الیه همیشه مجرور است (دوباره به مثال‌ها توجه کنید) {دقت

کنیم که اعراب‌ها می‌تواند اصلی، فرعی، محلی و تقدیری باشد مثال: مدرستنا {
مضاف مضاف‌الیه و محلاً مجرور
(می‌دانیم که منی‌ها اعرابشان محلاً است)

۲- سوال: بعد از چه کلماتی همیشه مضاف‌الیه می‌آید؛ بعد از حروف ظرف (عند، فوق، أمام و ...) و بعد از کلماتی مانند کل، بعض، غیر، جمیع، ذا، ذو، ذی (به معنای صاحب)، مع، خلف، وراء و ...

۳- سوال: بعد از چه کلماتی هرگز مضاف‌الیه نمی‌آید؟ مستقیماً بعد از [فعل، اسم تتوین‌دار و ال‌دار، معرفه‌ها (ضمیر، اسم اشاره، موصول، علم)] هرگز مضاف‌الیه نمی‌آید. (دقت کنیم که به جز معرفه به اضافه، هیچ معرفه‌ای مضاف‌الیه ندارد)

۴- سوال: مضاف چه حرکتی دارد؟ مضاف علامت خاصی ندارد یعنی برحسب موقعیت جمله می‌تواند مرفوع یا منصوب یا مجرور باشد (اما مضاف‌الیه همیشه مجرور است). فقط یادمان باشد مضاف هرگز «ال» یا «تتوین» نمی‌گیرد.

۵- نکته تکراری خیلی مهم: اگر مثنی یا جمع مذکر سالم مضاف واقع شوند «نون» را از دست می‌دهند. مثال:

طالبون + العلم ← طالبوا العلم / والدین + الحسین ← والدی الحسین («والدین» مثنی است) // والدین + ك ← والدیک

۶- چند مضاف‌الیه می‌تواند پشت سر هم بیاید. مثال: قلم صديق أخی (قلم دوست برادرم)



۷- مضاف همیشه اسم است. اما مضاف‌الیه یا اسم است یا ضمیر.

- ۸- توجه کنیم اسامي خاص (اسم های علم) مانند اسم انسان، شهرها و ... هرگز مضاف‌الیه نمی‌گیرند.
- ۹- **یه نکته فوق العاده:** گفتیم مضاف «ال» و «تتوین» نمی‌گیرد بنابراین اسم منقوص هم اگر مضاف واقع شود بدون «ال» یا تتوین می‌نویسیم مثلاً:
- قاضي المسجد** (← **قاضٍ مسجد** یا **القاضي المسجد**)
- صحيح است هر دو غلط اند

- ۱۰- مضاف و موصوف نقش نیستند (مثلاً ما کلمه‌ای با نقش مضاف نداریم بلکه ممکن است نقشش مبتدا یا ... باشد)
- ۱۱- **نکته تکراری مهم:** در زبان عربی (برخلاف فارسی) مضاف‌الیه قبل از صفت می‌آید.

خانه ترجمه

۱- به این دو جمله دقت کنیم (توجه به حرکتها و «ال» و مقایسه تفاوت و شباهتشان):



**** شرط ترجمه صحیح توجه به **حرکتها** است (گفتیم که صفت از نظر اعراب حرکتها و ... تابع موصوف است ، مضاف الیه همیشه مجرور است و مضاف «ال» یا تتوین نمی‌گیرد)

یک توصیه: برای راحتی در ترجمه‌های این شکلی، شکل نوشتن هر دو نوع (مركه و «ال») رو به فاطر بسپارید

۲- به ترجمه فعلها دقت کنید

ماضي + ... ماضي: ماضي بعيد و یا ماضي ساده

ماضي + ... مضارع : ماضي استمراري

مضارع + ... مضارع: مضارع التزامي

یک نمونه: رأيتُ صديقی يذهبُ الى السوقِ = دیدم دوستم را که **می‌رفت** به بازار

**** دقت کنیم که فعل های اول به همان صورتی که هستند ترجمه می‌شوند. در واقع نکته بالا برای فعل های دوم به بعد است.

(دوباره به نمونه بالا توجه کنید)